



University of Tehran Press

The Role of Islamic Art and Architecture in The Development and Transformation of Cultural

Meisam Norouzi¹ | Hadis Heidary Soureshjani²

1. Corresponding Author; Assistant Prof in public of international law, Department of law, Faculty of humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran. Email: m.norouzi@basu.ac.ir
2. Master Student in international law, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. Email: Hadis.heidary88@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Human rights In every case are derived from Islamic human rights, which in the present era has three generations with the compilation of various documents by the United Nations, the European Union, the African Union, the Organization of the Islamic Conference, etc.; The second generation is economic, social and cultural rights. Cultural rights that have existed in human societies have grown over time. Islamic countries have made up a significant percentage of the international community. Islam shined like a light on the ignorant Arab society without culture, art and civilization and also illuminated its surroundings; In such a way that the east was filled with this radiation. After the advent of Islam, mosques and tombs with authentic religious decorations were built and architecture flourished. Finally, Islamic architecture was created by combining the architecture of the regions that had spread there, and they left a mutual influence on each other's culture and art. The purpose of this research is the mutual influence of Islamic art and architecture on the cultural rights of the second generation of human rights. The descriptive-analytical studies of this writing are based on library data, Islamic thinkers' opinions and international documents.
Pages: 1-21	
Received: 2024/06/24	
Received in Revised form: 2024/10/27	
Accepted: 2025/02/03	
Published online: -----	
Keywords: <i>art and architecture, economic and social and cultural rights, Islam, second generation human rights.</i>	
How To Cite	
DOI	
Publisher	The University of Tehran Press. 



نقش هنر و معماری اسلامی در توسعه و تحول حقوق فرهنگی

میثم نوروزی^۱ | حدیث حیدری سورشجانی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: m.norouzi@basu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران. رایانامه: Hadis.heidary88@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۲۱-۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ تاریخ انتشار برخط: ----- کلیدواژه‌ها: اسلام، حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، نسل دوم حقوق بشر، هنر و معماری.	حقوق بشر در هر مصداقی برگرفته از حقوق بشر اسلامی است که در عصر حاضر با تدوین اسناد متنوع از سوی سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، اتحادیه آفریقا، سازمان کنفرانس اسلامی و غیره، دارای سه نسل است؛ نسل دوم آن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. حقوق فرهنگی که در جوامع بشریت وجود داشته، طی زمان رشد کرده است. اسلام از گذشته تا به امروز جزء ادیان بزرگ بوده و کشورهای اسلامی درصد شایان توجهی از جامعه بین المللی را تشکیل داده‌اند. اسلام مانند نوری بر جامعه بدون فرهنگ، هنر و تمدن جاهلی عرب تابید و اطراف خود را نیز روشن کرد؛ به گونه‌ای که شرق مملو از این تابش شد. پس از ظهور اسلام، مساجد و مقبره‌هایی با تزئینات اصیل مذهبی ساخته شد و معماری رونق یافت. در نهایت معماری اسلامی با تلفیقی از معماری مناطقی که در آنجا گسترش یافته بود، به وجود آمد و نفوذ متقابلی را بر فرهنگ و هنر یکدیگر بر جای گذاشتند. هدف از این پژوهش چگونگی تأثیر متقابل هنر و معماری اسلامی بر حقوق فرهنگی نسل دوم حقوق بشر است. مطالعات توصیفی-تحلیلی این نوشتار، بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای، نظریات اندیشمندان اسلامی و اسناد بین المللی است.
استناد	نوروزی، میثم؛ حدیث حیدری سورشجانی، حدیث (۱۴۰۴). نقش هنر و معماری اسلامی در توسعه و تحول حقوق فرهنگی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، (—)، (—)، ۲۱-۱. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2025.377424.3546
DOI	10.22059/jpls.2025.377424.3546
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

معماری جزئی از هنرهای هفت‌گانه به‌شمار می‌رود که از هزاران سال پیش وجود داشته و با پیشرفت فرهنگ، تمدن و فناوری جوامع پیشرفت کرده است؛ برای نمونه به تخت جمشید به‌عنوان مجموعه‌ی سنگی در حدود قرن پنجم یا اهرام ثلاثه مصر یکی از قدیمی‌ترین بناهای تاریخی و همچنین بنای استون‌هنج^۱ در انگلستان که حدود سه هزار سال قبل از میلاد بازمی‌گردد، اشاره کرد. در نهایت، می‌توان دریافت هنر و معماری به دوران ماقبل تاریخ بازمی‌گردد که تاریخ‌شناسان آن را به دوران سنگی، میان‌سنگی و نوسنگی نیز تقسیم می‌کنند. با بررسی تاریخچه معماری، درمی‌یابیم که انسان‌ها در سرزمین‌های مختلف با توجه به شرایطی همچون قلمرو جغرافیایی، مذهب، آداب و رسوم و اخلاقیات ایده‌های متنوعی برای خلق معماری داشته‌اند. اسلام نیز یکی از ادیان بزرگ جهانی است و ظهور آن در عرب جاهلیت، مصادف با ظهور معماری اسلامی است. خود کلمه اسلام تداعی هنر و معماری و برای افراد مسلمان است؛ همچنین مسلمان را باید آئینه فرهنگ اسلامی دانست. هنر اسلامی یکی از مصادیق فرهنگ است که از طلوع اسلام و خلافت اموی رونق گرفت و جهان را تحت تأثیر قرار داد. ویژگی‌های هنر اسلامی «آنیکنیسم»^۲ است که از آن برداشت می‌شود هنر اسلامی از ویژگی انتزاعی ولو هندسی برخوردار است. اسلام نفوذ زیادی بر معماری سرزمین‌های تحت سیطره خود داشته اما از دیگر جوامع نیز تأثیر پذیرفته است، به‌گونه‌ای که معماری اولیه اسلامی متأثر از معماری بیزانسی، ایرانی و بین‌النهرینی است. در اصل آغاز معماری به دوران انسان‌های نخستین بازمی‌گردد، وقتی انسان‌ها برای ساخت سرپناه، از توانایی خود استفاده کردند و آن را با یکدیگر اشتراک گذاشتند، سبب تبادل هنر و فرهنگ میان آنها شد، در نتیجه با ایجاد شهرنشینی و تشکیل تمدن در جوامع بشری، این امر به تدوین حقوق و تکالیفی برای افراد آن جامعه انجامید.

حقوق بشر متعلق به عصر معاصر نیست، این حق از زمان خلقت بشریت وجود داشته است، حتی در منشور بابل و کوروش که جزء تمدن‌های بزرگ زمان خود بوده‌اند، از حقوق بشر سخن گفته‌اند. حقوق بشر حقوقی جهانی است، زیرا همه انسان‌ها را در هر جای جهان بدون در نظر گرفتن نژاد، قومیت، جنسیت، زبان، مذهب، ملیت و دیگر موارد برابر می‌داند و کرامت انسانی را محترم می‌شمارد. امروزه این حق یکی از مسائل مورد توجه حقوقدانان است که توسط یک حقوقدان در مؤسسه بین‌المللی حقوق بشر در استراسبورگ پیشنهاد شد و در نهایت این حق طبقه‌بندی و به سه نسل تقسیم شد. نسل دوم حقوق بشر نقطه مقابل نسل اولی که از حقوق منفی دفاع می‌کند، است، زیرا این حق با افراط و تفریط و

1. Stonehenge

۲. عدم بازنمایی مستقیم طبیعت و موجودات زنده، حیوانات و انسان‌هاست (Aniconism).

حمایت کنترل نشده از فردگرایی مقابله کرد و در نهایت به سرکوب افراد، جوامع و طبقات به طور یکسان منجر شد. همین امر، دلیل تشکیل نسل دوم از حقوق مثبت است. این نسل نیز مانند نسل اول در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۸۴ گنجانده شده است. حقوق بشر نسل دوم، اجماع نظر جامعه بین‌المللی است نه فقط یک منطقه یا مجموعه. در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از مسائلی که به آن پرداخته است، فرهنگ جهانی است. این نسل از حقوق بشر، از حمایت سازمان‌هایی که بعضی از آنها عضو سازمان ملل متحد هستند، بهره می‌برد. یکی از این سازمان‌ها که مهم‌ترین آنها نیز است، سازمان یونسکو^۱ است و با هدف ایجاد فرهنگ صلح و دانش فراگیر از طریق اطلاعات و ارتباطات تشکیل شد که برای رسیدن به این هدف، برنامه‌ای تنظیم کرده است؛ این برنامه به حفظ تاریخ فرهنگی و ترویج تنوع فرهنگی کمک می‌کند. سازمان مذکور در چند سال گذشته توجه ویژه‌ای به این مسئله و همچنین هنر اسلامی معطوف داشته و در این خصوص نیز روز ۱۸ نوامبر را به عنوان روز جهانی هنرهای اسلامی اعلام کرده است، این سازمان جهانی با انتشار اعلامیه با هدف افزایش آگاهی در خصوص سهم فرهنگ در تمدن از طریق هنر اسلامی، از همگان دعوت به عمل آورد تا در این روز مشارکت و همکاری کنند. همان گونه که گفته شد، یکی از مصادیق هنر، معماری است و معماری اسلامی می‌تواند یک شاخه جهانی از آن باشد. زمانی که پیامبر اسلام در عرب جاهلیت ظهور کرد، این قوم دختران خود را زنده به گور می‌کردند و فاقد فرهنگ و تمدن بودند. پیامبر با آموزه‌های خود بین این مردم، آنها را به سمت انسانیت سوق داد. بعد از برپایی حکومت خود مسجد نبی را برای امور عبادی، تعلیمی و حکومتی تأسیس کرد. در ابتدا مساجد به زیبایی و تزئینات مساجد امروز نبود و بیشتر با کاه و چوب و خشت درست می‌شدند، اما همین مساجد نقطه عطف معماری اسلامی را بنا نهادند. این نوع از معماری دامنه وسیعی دارد؛ نمونه بارز ساختار مذهبی جامعه اسلامی از گذشته تا امروزه بوده و در گذشته علاوه بر عبادت گاه به عنوان محل تعلیم نیز استفاده می‌شده است. برجسته‌ترین ویژگی این بنای مذهبی، سقف‌های گنبدی شکل و تقارن آنهاست. در معماری ایرانی اسلامی استفاده از آجر و سفال و کاشی به رنگ‌های آبی فیروزه‌ای و سنگ‌های عتیق برای تزئین رواج داشته است. از مسئله هنر در قرآن نیز سخن به میان آمده و یکی از مصادیق آن رنگ است، در آیه ۱۳ سوره نحل خداوند می‌فرماید: «و (همچنین) آنچه را در زمین با رنگ‌های گوناگون برای شما پدید آورد. البته در این آفریده‌ها برای پندگیران عبرت و نشانه‌ای روشن است». معماری هنری است که می‌توان به کمک عقل که یکی از منابع اسلامی است، به آن دست یافت. عقل حجت دین است و کار عقل تفکر و تعقل است که اسلام از انسان خواسته تا طبق آن عمل کند؛ علاوه بر این عقل یک دانش جهانی است، در نتیجه هر آنچه از عقل تراوش می‌شود شامل

1. UNESCO (United Educational Scientific and Culture Organization)

تمامی علوم نیز است؛ معماری نیز یک دانش و علم میان رشته‌ای از فنون و هنر است، اما معماری اسلامی علاوه بر آنچه گفته شد، مذهب، اصول و فرهنگ اسلامی در آن نیز نقش دارد.

به دلیل نیاز جوامع به یکدیگر و در پی آن گسترش روابط میان ملت‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون در بین آنها فرهنگ، هنر، آداب و رسوم و غیره نیز مبادله شد. پس نمی‌توان گفت حقوق فرهنگی که از آن سخن گفته شد و در این پژوهش به آن بیشتر پرداخته می‌شود، مختص به یک قوم، گروه یا منطقه‌ای خاص است و معماری هر منطقه‌ای فقط و فقط القای یک نوع معماری است. در نهایت معماری اسلامی که جزء شالوده فرهنگ اسلامی به‌شمار می‌آید، تنها الهام گرفته از اسلام نیست، بلکه با گسترش آن در سرتاسر جهان و به دلیل نزدیکی سرزمین‌های مسیحی و مسلمان به یکدیگر، تجارت اروپاییان در شرق به‌ویژه در دوران جنگ‌های صلیبی، آغاز شد و در نهایت تعامل با سایر تمدن‌های بشریت این معماری با هنر و معماری آن جامعه تلفیق شده و تأثیر متقابل بر یکدیگر گذاشته‌اند؛ می‌توان گفت هیچ هنر و معماری‌ای فقط متعلق به قلمرو جغرافیایی خاصی تعلق ندارد، بلکه سایر تمدن‌ها نیز در گسترش و تغییر آن نقش دارند، پس چه اسلام در شرق و چه جوامع غرب بر هم مؤثر بوده‌اند. از این‌رو سؤالی که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود این است که هنر و معماری اسلامی و حقوق فرهنگی یکی از مصادیق نسل دوم حقوق بشر، از گذشته تا به امروز چه تأثیری بر یکدیگر داشته‌اند؟

۲. هنر و معماری اسلامی

اسلام دین زیبایی و کمال است و این زیبایی را نشأت گرفته از صفات بارز خداوند می‌داند نه در موجودات فانی؛ هنر اسلامی یک تاریخ مصور است که رویکردی گسترده دارد و معماری، صنایع دستی و زیبایی‌شناسی و همچنین «هنر» را به معنای محدود پوشش می‌دهد و آنها را در بافت اجتماعی و تاریخی خود قرار می‌دهد (yee, 2004: 1). معماری اسلامی که از بارزترین هنرهای اسلامی به‌شمار می‌رود، ویژگی انتزاعی دارد و تزئینات آن شامل رنگ‌ها، استفاده از سنگ عتیق و فیروزه و اشکال هندسی مثل مثلث و دایره است. با این حال، این معماری به‌صورت کامل با تمام سبک‌های معماری دیگر متفاوت نیست. حتی برخی از آنها از دیگر معماری‌ها مانند معماری ایرانی وام گرفته است (Shaykh-Baygloo, 2018: 1). پس از ورود اسلام به ایران، معماری ایرانی-اسلامی شکل گرفت که آمیخته‌ای از هنر ایرانی و اسلامی است. از مساجد باشکوهی که در ایران ساخته شد و هنر دست معماران ایرانی است، می‌توان به مسجد گوهرشاد مشهد، مسجد کبود تبریز، مسجد جامع یزد، مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان، مسجد وکیل شیراز و مسجد جامع عتیق اصفهان اشاره کرد.

۱.۲. هنر و معماری اسلامی و هویت آن

ردپای هنر در هر ادیان، سلسله و جامعه‌ای از گذشته تا به امروز دیده می‌شود. خلق آثار هنری بسته به فرهنگ، آداب و رسوم جامعه، دین، احساسات و هوش هنرمند بستگی دارد. در گذشته هنر نوعی علم تلقی شده و واژه هنر و «هنرمند» از مصادیق مهم در جامعه اسلامی و ترویج آن بوده است. در لغت‌نامه دهخدا نیز واژه هنر فضیلت و دانش معنی دارد. چه‌بسا همین آثار هنری که این اشخاص به‌وجود آوردند سبب تحول یا حداقل شروع آن در عصر خود است. فرهنگ و هنر در هر جامعه و ملت به‌طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و جامعه اسلامی مانند سایر جوامع مسیر این هنر و تمدن را طی کرده است. هنر اسلامی کشفی از تصاویر و اشکال مختلف هستی است که «حقیقت این اشکال» را از طریق زبان، موسیقی، تصور، حجم و معماری به نمایش می‌گذارد (نقی پور و محبوب‌قدس، ۱۴۰۱: ۴۷). سرچشمه هنر اسلامی را در اصول دین و باطن اسلام می‌توان یافت که یکی از اهداف درونی آن، ایجاد عدل در سراسر جهان هستی است و هنر اسلامی این هدف را با زیبایی به نمایش می‌گذارد؛ این هنر بر اساس ماهیتش واقعیتی ظاهری و باطنی دارد. بی‌شک هنر اسلامی از اساس هنری تأمل‌برانگیز است (هوشیاری، ۱۴۰۱: ۴۸). وظیفه هنرمند مسلمان جویای حقیقت، توجه صرف به پدیده‌های طبیعی نیست، اگر هنرمند مسلمان تلاش کند تا به اشکال کاملاً موقتی و فناپذیر زمینی و طبیعی، ابدیتی جاوید ببخشید، عملی خلاف نص آیات الهی انجام داده است؛ به همین دلیل هنرمندان تلاش می‌کنند تا خود را از طبیعت واقعی نمود اشیا دور نگه دارند تا بتوانند در ازای این پرهیز، تصاویر خود را در جهان تصورات، ذهنیات و مجردات خود، طوری دیگر صورت‌بندی کنند و بیافرینند (رجایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳، به نقل از: ارنست کونل، ۱۳۷۲). اگر بخواهیم طبق نص صریح قرآن فناپذیری و وحدانیت خداوند و وجود معاد را در نظر بگیریم و اینکه هنرمند نیز ویژگی انتزاعی به آثار خود می‌بخشد، می‌توان این امر را در سفال‌گری، کاشی‌کاری، صنایع‌دستی و خوش‌نویسی دید. حال اگر بخواهیم هنر را از دیدگاه اسلامی مفهوم‌شناسی کنیم عبارت است از ساخت و پرداخت اشیا بر وفق وضعیتشان که خود حاوی زیبایی بالقوه بوده و بر اساس وظیفه هنرمند مسلمان است که زیبایی را که جوهر هنر است بر آفتاب اندازد و شرافت را از ساحت بهره گیرد، عیان سازد (ابولهارت، ۱۳۶۵: ۱۳۴). اسلام روح انسان را جلا می‌دهد، پس یکی از ویژگی‌های برجسته آن ارتباط هنر اسلامی با روح انسان است و چه برای شخص خالق اثر و چه شخصی که با آن سروکار دارد، نوعی آرامش الهی ایجاد می‌کند. این امر در تمام مظاهر زندگی انسان ظاهر شده، به‌طوری‌که شمول هنر از فلسفه و عرفان نیز در زندگی یک مسلمان بیشتر است (اعوانی، ۱۳۷۵: ۳۴۵). یکی دیگر از اصول دین توحید یا همان وحدانیت باری تعالی است و در این خصوص وحدت هنر اسلامی را نمی‌توان انکار کرد؛ آن در یکی از مصادیق معماری اسلامی (مساجد)، یافت می‌شود. ترویج اسلام و

به مثابه آن هنر اسلامی مانند ساخت مساجد و آرامگاه‌ها باعث جذب هنرمندان زیادی از سراسر دنیا شد؛ نتیجه امر مذکور، تلفیق آن با سایر هنرهای جوامع دیگر است. هنر اسلامی واژه‌ای است که در غرب در قرن نوزدهم ابداع شد. برخلاف هنر مسیحی و بودایی هنر را با مجموعه خاصی از تصاویر مذهبی توصیف نمی‌کند؛ در واقع، هنر اسلامی دارای نمادهای مذهبی اندکی است که قابل مقایسه با صلیب مسیحی باشد، در عوض به تمام هنرهای مذهبی و سکولار اشاره دارد؛ چه توسط مسلمانان ایجاد شده باشند یا نباشند (Victoria & Albert Museum, 2004: 1). ماهیت هنر اسلامی حاصل تفکر و بینش دینی مسلمانان در مواجهه آن با آثار هنری بیگانگان است که هنر آنها ضمن فتوحات اسلامی تسخیر و تصرف شده و به تدریج در حکم مواد در صورت و روح هنر اسلامی هضم و جذب شده است (مددپور، ۱۳۷۱: ۳۶). بورک‌هات مرتبه بالایی خوشنویسی و معماری را در سلسله مراتب هنر اسلامی نشان داد. این هنرها همانند شمایل در مسیحیت با کلمه الله سروکار دارند و نه با بازنمایی تصویر با پیکره انسان (هوشیاری، ۱۴۰۱: ۵۰).

یکی از مصادیق هنر معماری است و خلق هر اثر هنری نیازمند دانش جهانی (علم و عقل) است. معماری دارای دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری یا کالبدی و محتوایی است. در بعد سخت‌افزاری یا کالبدی باید تابع مقتضات زمان و قوانین حاکم بر عناصر و اجزای مادی و تجارب بشری در نحوه استفاده از مواد ساختمانی و امکاناتی و زیرساخت‌های شهری باشد اما در بعد نرم‌افزاری و محتوایی معماری کاملاً وابسته به باورها و ارزش‌های معمار است (رجبی‌ده‌برزویی و خلعتبری لیمای، ۱۴۰۰: ۱۰۲). معمار با دانش و رجوع درونی به خود یک اثر هنری همانند بنا، شیء و... را می‌آفریند. حال معماری اسلامی یک هنر مقدس است و روح معنوی و عرفانی را نیز داراست؛ اگرچه پیامبر (ص) فرمودند که خداوند امت خود را مورد عنایت قرار داده و تمام سطح زمین را جایگاه عبادت او قرار داده است، اما این معماری است که در اماکن پرجمعیت باید وضع صفا و آرامش را که همه جا در طبیعت یافت می‌شود از نو ایجاد کند (هوشیاری، ۱۴۰۱: ۵۰). دین از گذشته تا به امروز نقش بسزایی در هنر و معماری جوامع و سرزمین‌ها داشته است. هنر و معماری اسلامی، متعلق به مناطقی از خاورمیانه، شمال آفریقا، شمال هند و اسپانیا است که از قرن هفتم پس از میلاد در مقاطع مختلف تحت سلطه اسلام قرار گرفتند (Shaykh-Baygloo, 2018: 15). در مناطق غرب آسیا که مهد هنرهای با فرهنگ غالب اسلامی است، این هنرها ممکن است ماهیت مذهبی یا سکولار داشته باشند. اسلام نیز از اوایل قرن اول وارد ایران شد، اما بیشتر ایرانیان از اوایل قرن سوم به بعد اسلام آوردند (مطهری، ۱۳۶۲: ۷۷).

میراث اسلامی معماری آن است که نشانه نوآوری تمدن اسلامی است؛ هنر و معماری اسلامی در آغاز مبتنی بر تزئیناتی بود که با روحیه آن مطابقت داشت، بنابراین در بیشتر کشورهای اسلامی به یک شکل ظاهر شد (ehaal hassan, 2020: 111). معماری ایرانی یکی از غنی‌ترین معماری بومی شکلی است که

با ورود اسلام و با حفظ فرهنگ جامعه خود به سنت معماری مفهومی عرفانی گراییده است، می‌توان از آن به‌عنوان موفق‌ترین معماری اسلامی یاد کرد. در دوران صفویه که تفکر شیعی پررنگ بود، هنر و معماری ایرانی اسلامی این دوران، جلوه‌های نمادین از حرکت کثرت جهان بیرون به وحدت، در حضور خداوند خود می‌نماید که به‌خوبی در نظریات ملاصدرا قابل پیگیری است (نقی‌پور و محبوب‌قدس، ۱۴۰۱: ۵۷). معماری جهان اسلام منظره گنبدها و مناره‌ها، طاق‌ها و تزئینات هندسی شگفت‌انگیز فضای داخلی بسیاری از ناظران غربی را که راه‌های کمی برای درک واقعی ساختمان‌ها داشته‌اند، مجذوب و گیج کرده است. اسلام با گسترش از آفریقا تا آسیا، دامنه منحصربه‌فردی از مفاهیم هنری را با سلیقه‌های مختلف ایجاد می‌کند. بنابراین معماری اسلام تلفیقی از فرهنگ، شیوه زندگی مردم، دین و مذهب و سنت جامعه است. اگر به هنر اسلام و مسیحیت که جزء گروه‌های دینی اصلی‌اند بنگریم، وجه اشتراک آنها را در تجلی هنر، جایی که شخصیت مرکزی را مدنظر قرار می‌دهند، درمی‌یابیم؛ در دین اسلام الله و در دین مسیحیت عیسی مسیح است؛ در نتیجه اگر به مساجد، شهرسازی و کلیساها توجه کنیم، یک نظم را که نشان‌دهنده تناسب و تقارن میان رنگ‌ها، اشکال هندسی و تجلی نور است، مشاهده می‌کنیم.

اگر معماری اسلامی را محصول کوشش معمار برای دستیابی به اهداف اسلام در خلال طراحی و تحقق یک اثر معماری ببینیم، اسلامی بودن معماری تنها پس از شکل‌گیری یک معماری خوب امکان‌پذیر است، یعنی در فرایند شناخت و تسلط بر تکنیک و خلق فرم فضای معماری، اساساً نمی‌توان اسلامی بود، بلکه باید اسلام را پس از وقوع معماری به‌عنوان پاسخی به نیازهای کالبدی جامعه به‌عنوان ایدئولوژی به‌کار برد؛ از نقطه دیدی که شریعتی به آن می‌نگرد؛ جهتی که مسیر توسعه کالبدی را مشخص می‌کند (سیدین و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۳۲-۴۳۴). با توجه به آنچه در مورد تأثیر اسلام بر معماری جوامع اسلامی گفته شد، یکی از ویژگی‌های آن تزئینات است. با این حال نقوش به‌کاررفته در معماری اسلامی به فرم‌های انتزاعی تبدیل شده است. معماری اسلامی بیانگر این است که انسان نباید وابسته زیبایی فناپذیر مادی دنیا شود و دلبسته حقیقت زیبای فناپذیر حق تعالی گردد.

۲.۲. مساجد و معماران مسلمان

فرهنگ جاهلی عرب، بویی از هنر و تمدن نبرده بود تا زمانی که اسلام وارد این قوم شد و اولین بنای مذهبی که ساخته شد، مسجد بود. مساجد آغاز معماری اسلامی و برجسته‌ترین نمونه آن است. در اوایل مساجد ساختار بسیار ساده و ابتدایی داشتند؛ مسجد نبی اولین مسجدی بود که پیامبر تأسیس کرد که دارای طراحی خاص اما ساده بود؛ کاربرد آن، تصمیم‌گیری حکومتی، عبادت و محل تعلیم بوده است. در واقع کل معماری اسلامی از مسجد نشو و نما می‌کند و امتدادی از آن است، همان‌طور که تمامی اعمال یا شعائری که در مسجد انجام می‌شود، در خانه یا بازار نیز می‌تواند انجام گیرد (برزویی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۰).

۱۰۳). به تدریج با توسعه اسلام در سراسر جهان و تلفیق فرهنگ‌ها با اسلام مساجد نیز گسترش یافتند. ملت‌های زیادی با تمدن‌های کهن و لوکس تحت لوای اسلام به آن پیوستند، همه اینها سبب شد معماری اسلام با عناصر و واژگان جدید بارگذاری شود که در توسعه ابزارهای هنری و معماری در کشورهای اسلامی به سطح عالی کمک کرد؛ اسلام در نیمه قرن شروع خود وارد کهنه‌ترین مرکز تمدن بشری شد و شروع آن از بین‌النهرین از حکومت ساسانی است (ehaal hassan, 2020: 113). با دقت به ساختار این بنای مقدس درمی‌یابیم که علاوه بر معماری شکیل عامل ایجاد اجتماعی با هدف یکسان است؛ جوامع مسلمان برای گردهمایی‌های مهم می‌توانند از آن بهره ببرند؛ خانه کعبه که تمام مساجد به سمت آن تعیین قبله می‌کنند، هر ساله در ایام حج از سرتاسر جهان مسلمانان را برای انجام این واجب جمع می‌کند، این خود نشانه اتحاد و روابط کشورهای مسلمان و مسلمانان در کشورهای بلاد کفر و حتی این کشورهاست که به‌خاطر این مهم، روابط دیپلمات برقرار می‌کنند. معماری در آسیای غربی و مرکزی اغلب جنبه دارد و مکان بسیاری از مساجد مهم اسلامی است که با خوشنویسی و اشکال گیاهی آراسته شده‌اند. یک مسجد دارای یک منبر، مناره و حیاط مرکزی برای فراخوانی و اسکان نمازگزاران است (College board New York, 2015: 130). واژه معماری اسلامی را محققان غربی در پژوهش‌های خود به‌کار گرفته‌اند و با ورود اسلام به ایران مساجد زیبایی با تلفیق معماری ایرانی-اسلامی خلق شد. کلیت مساجد ایرانی، از نظم جزئی تا انتظام کلی، تجسم کالبدی کمال است و حاضران در فضا را به جست‌وجوی کمال و برخاستن از خواب غفلت دعوت می‌کند و خود در این مهم نقش تسهیل‌کننده دارد. با بررسی معماری مساجد ایرانی می‌توان شاخص‌های زیر را در چهار الگوی شبستانی، گنبدخانه‌ای، ایوانی و چهار ایوانی گنبددار در هندسه مساجد مشاهده کرد (شیرخانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۰۸-۵۰۹). در نتیجه باید دریافت گنبد یکی از مهم‌ترین قسمت‌ها و ساخت معماری اسلامی به‌ویژه در مساجد، کاخ‌ها و مقبره‌هاست. در معماری اسلامی سنگ عتیق و سنگ فیروزه‌ای کاربرد زیادی در ساخت بناها و مقبره‌ها دارد و نمادی از بهشت خدا در زمین است، حتی در این خصوص در احادیث و روایات ائمه و پیامبران از جایگاه سنگ فیروزه سخن گفته شده است، از جمله امام صادق (ع) در این خصوص فرموده‌اند: «نگاه کردن به این نگین باعث شادابی روح و تقویت چشم می‌شود». مسجد با توازن، تناسب و استفاده از سنگ فیروزه تجلی آرامش در مؤمن است و ناخودآگاه احساس و عشق به خدا در دلش بیش از قبل معطوف می‌شود. شکل گنبد به‌صورت منحنی هندسی و از خارج دارای شکل ساده اما در داخل دارای کاشی‌کاری با رنگ فیروزه‌ای است. این جزء از مسجد نماد زیبایی، عظمت صفات الهی، نشانه کثرت در وحدت و اصل کثرت، آسمان، درخت و کعبه را تجلی می‌دهد (نقی‌پور و محبوب‌قدس، ۱۴۰: ۵۳). همان‌طور که بیان شد رنگ فیروزه‌ای نقش بسیار مهمی در معماری مساجد و

تزئین گنبدها به خصوص در آراستگی داخلی آنها دارد؛ این سنگ تجلی رنگ آسمان است. نمونه‌هایی چون مسجد گوهرشاد و گنبد سلطانیه که «ولجائیو بنا به روایتی، گنبد فیروزه‌ای سلطانیه را به نیت انتقال پیکر امامان شیعه به آنجا ساخت» (بلخاری قهی، ۱۴۰۱: ۱۴) را می‌توان نام برد.

در واقع، رسالت اصلی و شأن اصلی یک معمار عبارت است از «طراحی و مدیریت فضا به منظور مدیریت رفتاری در آن فضا انجام می‌گیرد.» (رجبی ده‌برزویی و خلعتبری لیماکی، ۱۴۰۰: ۱۰۳). در اسلام هنر و ایمان پیوند ناگسستنی با یکدیگر دارند و در چارچوب قوانین سختگیرانه، آزادی کافی برای هنرمندان برای خلق آثار هنری وجود دارد (4: Naderi, 2022). با تولد مسیح و نمود دین مسیحیت و اعتقاد پیروان خود به زندگی پس از مرگ و گسترش آن در غرب، همانند دین اسلام مسیحیان معبدی برای عبادت و اجتماع افراد با عقاید مشترک ایجاد کردند؛ این ساختمان مذهبی که کلیسا نام‌گذاری شد، اغلب دارای گنبد هستند یا به‌سوی آسمان صعود یا به سمت محراب نزول می‌کنند. تمام معماری یک کلیسا به فرد مؤمن یادآوری می‌کند که حضور الهی‌ای که از عشاء ربانی در محراب فیضان می‌یابد، مانند نوری در تاریکی می‌درخشد (هوشیاری، ۱۴۰۱: ۵۱). در معابد مسیحی دو محور عمود بر هم مستطیل محاط در دایره‌ای را تداعی می‌کند که واسطه میان مربع زمینی و دایره آسمانی است (پورکهارت، ۱۳۸۱: ۶۸). پس شکل غالب در کلیساها از ترکیب دو هندسه که فرم صلیب را تشکیل می‌دهند، ایجاد شده است. بنابراین وجه اشتراک هر دو در اشکال هندسی آن است که نشان‌دهنده توحید است، اما مسیحیت علاوه بر توحید بر تثلیث که در قرآن نهی شده است نیز معتقد است و عیسی را پسر خداوند بر روی زمین می‌داند و این در اسلام جایز نیست، زیرا یکی از اصول دین توحید است. یک مکان مذهبی در فرهنگ شرق و غرب چه مسجد یا کلیسا باشد، فرد معتقد را به یاد خدا می‌اندازد، پس مسجد در هر جایی که ساخته شود با فرهنگ و سنت آن مکان انس می‌گیرد و به‌وجود می‌آید، بنابراین ممکن است که نقوش و طرح داخل آنها یکی نباشد، ولی دارای ماهیت یکسان و کارکرد مشترک‌اند، چه‌بسا مسجد آياصوفيا در ابتدا یک کلیسا بوده و با فتح استانبول توسط محمد فاتح به مسجد تبدیل شده است یا مسجد پاریس پس از جنگ جهانی اول بر این مبنای ساخته شد که دولت فرانسه از مسلمانان شمال آفریقا برای جنگیدن در کنار فرانسوی‌ها قدردانی کنند.

۳. نسل دوم حقوق بشر

نسل دوم حقوق بشر که شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، توسط اندیشه کشورهای اسلامی و آمریکای لاتین به‌وجود آمده و برعکس نسل اول به حقوق فردی و جمعی افراد، توجه ویژه‌ای دارد. تمام کشورها باید تلاش خود را در خصوص حق بر بهداشت، دسترسی به غذا، مسکن، شغل و

سلامت به کار گیرند. نسل دوم اغلب در مواد ۲۲ تا ۲۸ اعلامیه حقوق بشر که بعداً به آن اشاره خواهد شد و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گنجانده شده است.

۱.۳. حقوق فرهنگی جزء نسل دوم حقوق بشر

با پیشرفت جوامع بشر امروزی و تعامل این جوامع با یکدیگر، فرهنگ‌های متفاوت اما مسلماً نزدیک به یکدیگر به وجود آمده است. این امر خود نشان‌دهنده تنوع فرهنگی در جامعه جهانی است که به شیوه‌های گوناگونی اطلاق می‌شود. این جلوه‌ها و مظاهر از طریق گروه‌ها و جوامع و بین آنها انتقال می‌یابند. تنوع فرهنگی نه فقط در روش‌های گوناگون بیان، تقویت و انتقال میراث فرهنگی بشر، بلکه در شیوه‌های تنوع آفرینش هنری، تولید، اشاعه، توزیع و بهره‌مندی صرف‌نظر از ابزار و فناوری‌های مورد استفاده تجلی می‌یابد (شریفیان و همکاران، ۱۴۰: ۲۱۱۵).

واژه فرهنگ در فارسی میانه و در ایرانی باستان کشیدن با پسوند فرا به معنی برکشیدن و بالا کشیدن است (خسروپور و رادمرد، ۱۴۰۲: ۱۷۱). ادوارد تایلر (۱۸۷۱) فرهنگ را با تمدن مقایسه کرد و آن دو را کلیتی مرتبط به یکدیگر دانست که شامل هنر، دین، اخلاق و هر آنچه آدمی به دست آورد، بیان کرد. اصطلاح حقوق فرهنگی در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی آورده نشده است، اما در نظام حقوق بین‌المللی حقوق بشر، در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای ابعاد فرهنگی مدنظر گرفته‌اند. با برگرفتن زندگی از سنت سوسیالیستی، حقوق بشر نسل دوم، که در قرن نوزدهم تدوین شد، شامل حقوق اساسی در زمینه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی بشر بود. ایجاد حقوق نسل دوم تلاقی علیه سرمایه‌داری بود که در نتیجه قرن هجدهم شکل گرفته بود. جنبش حقوق بشر که نسل دوم را تعریف کرد، در اوایل قرن نوزدهم و جنبش سنت سیمونی که از سوسیالیسم مسیحی حمایت می‌کرد، آغاز شد. پس از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظام حقوقی بین‌المللی نوین، منشور سازمان ملل نخستین سند بین‌المللی است که در بند ۱ ماده ۳ خود در بیان مقاصد سازمان ملل بر لزوم حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائلی که دارای جنبه فرهنگی‌اند، تأکید ورزیده است. پس از منشور تدوین‌کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، ماده ۲۷ سند مزبور را به موضوع شناسایی و بهره‌مندی از حقوق فرهنگی اختصاص دادند (صفاری‌نیا، ۱۳۹۵: ۸۰). حتی دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری که جزء ناپیوسته جامعه ملل بود، صلاحیت پیشینه‌ای در خصوص حقوق فرهنگی که شامل حق بر آموزش، حق بر ابراز فرائض دینی و اختلافات زبانی داشت که نمونه آن در نظر مشورتی که این مرجع قضایی صادر کرد در خصوص «حقوق اقلیت آلمانی در سیلزیای اولیا» بود، دیوان دائمی اعلام کرد که:

«هر فرد می‌بایست این حق را داشته باشد (خواه متعلق به اقلیتی باشد یا نباشد) که خود شخصاً

نسبت به انتخاب سیستم آموزشی و زبانی مبادرت نماید. در این خصوص والدین و معلمان در انتخاب روش‌های آموزشی و تعلیمات زبانی برای کودکان نسبت به دیگران در اولویت قرار دارند» (نیسی و مشهدی، ۱۳۹۷: ۵۵). بی‌سبب نیست برخی اندیشمندان گفته‌اند: «حقوق فرهنگی، سیندرلای حقوق بشر است. هویتی که تصویری دلنشین دارد، اما زیاد نباید جدی گرفته شود» (صفاری‌نیا، ۱۳۹۵: ۸۰).

از اسناد حقوق بشری منطقه‌ای منشور آفریقایی حقوق بشر، سند قاهره و اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر را می‌توان نام برد. در پی گسترش این حقوق و تصویب اسناد مختلف در خصوص آن، اعضای کنفرانس اسلامی متشکل از نمایندگان دولت‌های کشور اسلامی، اعلامیه‌ای به نام «اعلامیه حقوق بشر اسلامی» تدوین کردند. در واقع حقوقی چون حق حیات، حق کار، حق آزادی رفت‌وآمد، منع بردگی، حق ازدواج، حقوق کودکان، حق آموزش و پرورش و غیره در اعلامیه قاهره درج شده است (کوثری و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۰) بنابراین در نظام کشورهای اسلامی، با توجه به این اعلامیه، حقوق بشر و به‌دنبال آن حقوق فرهنگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

اسلام طبق و ذات اشیا سرشته شده و از ابتدای خلقت بشر در درون انسان نهفته بوده است؛ در کل دین پیامبر اسلام با انسان سروکار دارد. وحدانیت الله نیز واقعیت مطلق است که بر همه بشریت منتسب است نه بر قوم یا گروه خاصی. غایت این مهم ارتباط فرهنگی اسلامی با قدرت زوال‌ناپذیر الهی و آفریده‌های بی‌پایان حق تعالی است و دستخوش تغییر و تحولی نمی‌شود؛ در آیه ۱۵ سوره بقره نیز به این مسئله اشاره شده است که خداوند می‌فرماید: «خدا [است که] ریشخندشان می‌کند، و آنان را در طغیانشان فرو می‌گذارد تا سرگردان شوند». سیره پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) مشحون از موارد حقوق بشری است که در حال حاضر به آن توجه شده است، از جمله به اصل وفای به عهد که در آیه ۱ سوره مائده با عنوان اوفوا بالعقود از آن نام برده شده است و در حقوق بین‌الملل Pacta sunt serventa خوانده می‌شود. حقوق بشر جهانی که حقوق فرهنگی جزء نسل دوم آن است، همان‌گونه که بیان شد حقوق یک منطقه یا قوم خاصی نیست، بلکه حقوق جهانی است و حتی سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه نیز تأسیس شده است؛ یکی از این سازمان‌ها مرتبط با حقوق فرهنگی، یونسکو است. این سازمان به‌دنبال ایجاد فرهنگ، صلح و دانش فراگیر از طریق اطلاعات و ارتباطات است و برای رسیدن به این هدف برنامه‌ای تنظیم کرد؛ این برنامه به حفظ تاریخ، فرهنگ و گسترش تنوع فرهنگی کمک می‌کند. همان‌طور که گفته شد زیرمجموعه فرهنگ، هنر است؛ این سازمان در چند سال گذشته توجه ویژه‌ای به آن و هم‌نین هنر اسلامی داشته است؛ به شکلی که با انتشار اعلامیه‌ای که هدف آن افزایش آگاهی در مورد سهم فرهنگ در تمدن از طریق هنر اسلامی است، روز ۱۸ نوامبر را روز جهانی هنر اسلامی نام‌گذاری کرد. فرهنگ و تمدن غنی اسلام به‌دلیل منبع اصلی آن قرآن است؛ بسیاری از بدی‌ها را منع و خوبی‌ها را امر کرده و آنهایی را که بر عهده انسان گذارده شده است، وی با عقل سلیم خود و ایمان

درونی که به خداوند دارد، بهترین راه را پیدا می‌کند. بسیاری از ستمگری‌ها، بی‌عدالتی‌ها و رفتارهای غیراخلاقی به دلیل نشناختن حقوق و ناآگاهی به حقوق یکدیگر و عدم پایبندی به حقوق و حقوق‌شناسی برمی‌خیزد (جعفری، ۱۳۹۴: ۷). یکی از اهداف اسلام ایجاد و گسترش عدالت است که در اندیشه‌ها و سیره حضرت علی (ع) دیده می‌شود. از منظر امام علی (ع) حق امری آموختنی است و بدون پاسداشت حرمت‌ها و تحقق حقوق مداری، نمی‌توان انتظار یافتن جلوه مدنیّت داشت (دلشاد، ۱۳۸۹: ۴۵). بنابراین بدون حفظ حرمت و آموختن حقوق مداری نظام اجتماعی، سیاسی و حکومتی به درستی حقوق‌مدار نمی‌شوند و رعایت حقوق و مطالبه حقوق به‌طور همه‌جانبه معنا نمی‌یابد. اما زمان بیشتری مورد نیاز است که مسلمانان از شرق تا غرب جهان دیدگاه‌های اسلامی را که مبنی بر صلح و عدالت است، توسعه دهند «و آشکارا به جهانیان نشان دهند دین اسلام در واقع دین صلح است که بر آزادی جهانی و برقراری عدالت و حفظ حقوق بشر اصرار دارد» (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۹).

میثاق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ۱۹۹۶ و پروتکل‌های منظم آن و اسناد حقوق بشری و اسنادی که از آنها نام برده شد، همگی حقوق فرهنگی را مدنظر قرار داده‌اند، اما در زمان ظهور اسلام در جامعه‌ای که عرب جاهلیت بدون هیچ فرهنگ و تمدنی زندگی می‌کردند، فرهنگ وارد آن عصر شد و تمدن را نه تنها در میان اعراب شکل داد، بلکه در کل جهان با آموزه‌های پیامبر (ص) در خصوص زندگی اجتماعی، تعلیم و آموزش، زمان صلح، زمان جنگ و غیره سبب گسترش آن شد. سهم اسلام در فرهنگ، تمدن و هنر در سراسر جهان هستی را نمی‌توان نادیده گرفت.

۳.۲. جایگاه هنر و معماری در نسل دوم حقوق بشر

هنر و معماری از فرهنگ آن جامعه برخاسته و در قالب نمادهای مذهبی، قومی، اقلیمی و سیاسی در آمده است. در قرن هجدهم معماری بومی رونق یافت. در این زمان، با استعمار کشورهای آفریقا و اقیانوسیه توسط اروپاییان تغییراتی در هنر و ادبیات دنیای غرب به‌وقوع پیوست (صادق‌پی، ۱۳۹۹: ۸). این نوع معماری، توجه کشورهای غرب و اسلامی را به خود معطوف کرد. ایران نیز مانند دیگر کشورهای اسلامی معماری بومی که معماری پست‌مدرن است و با فرهنگ، اجتماع و تاریخ هر جامعه‌ای منطبق است، روی آورده بود. پس از این عرصه جوامع بین‌المللی وارد مرحله جدیدی از معماری شدند که همان معماری مدرن است. معماری مدرن به سمت دیدگاه کاملاً مادی جذب شد و از طبیعت سه‌وجهی انسان که شامل جسم و روح و تن است، غافل شد (صادق‌پی، ۱۳۹۱: ۱۱). مدرنیته شدن سبب پدیدار شدن شرایط جدید و ظهور وسایلی نو، برای زندگی شد که این امر ابتدا از کشورهای توسعه‌یافته‌تر آغاز شد. سنت معماری یکی از سنت‌هایی بود که در کشورهای در حال توسعه در اثر فشار مدرنیته از دست رفت.

با ورود معماری مدرن به این کشورها نگرش جدیدی نسبت به پیشرفت در جامعه به وجود آمد. بنابراین، این کشورها برای پیشرفت سریع‌تر، با کشورهای توسعه‌یافته، مبادرت ورزیدند و همین مسئله موجب تلفیق فرهنگ‌های جامعه جهانی با یکدیگر شد. در بسیاری از جوامع اسلامی، زندگی مسلمانان در اثر ورود فرهنگ غربی و غرب‌گرایی جوامع آنان از دست رفت (صادق‌پی، ۱۳۹۱: ۱۵). این امر موجب از بین رفتن هویت اسلامی آنان شده و مشکلات عدیده‌ای را برایشان رقم زده است. ورود فرهنگ‌های غربی به جوامع اسلامی و تقابل آنها با یکدیگر، یکی از وجوه اشتراک آنهاست. برولین نیز در کتاب *معماری زمینه‌ای* دربارهٔ زمینه‌گرایی در هنر اسلامی می‌گوید: هنر اسلامی درون‌گراست و حاصل تمرکز معنوی و اندیشه‌ای است که در فعالیت‌های هنری خود را نشان می‌دهد. «این هنر دارای هویتی ناب و بومی و متناسب با روح و موقعیت اجتماعی زمان خود است. معماری اسلامی نیز ارتباط تنگاتنگی با روح و جایگاه اجتماعی زمان خود دارد» (Karimi et al., 2021: 93). زمانی که خاندان عباسی پایتخت خود را از دمشق به بغداد توسط منصور در سال ۷۶۲ منتقل کردند، این اولین شهر بزرگی بود که به‌طور کامل توسط مسلمانان ساخته شد و به مرکز جدید اسلامی تبدیل شد، در نهایت نماد همگرایی هنرهای شرقی و غربی بود: الهام‌گیری شرقی از ایران، استپ اوراسیا، هند و چین و به‌طور متقابل تأثیر غرب از دوران کلاسیک و اروپای بیزانس (E. Osim, 2021: 178). هنر که جزء مهمی از فرهنگ هر جامعه را شکل می‌دهد، با تبادل آن، تبادل حقوق فرهنگی را نیز در پی دارد و بسیاری از سنت‌ها و فرهنگ‌های یک جامعه وارد جامعه‌ای دیگر می‌شود که با آن ارتباط هنری، اقتصادی، مهاجرتی، ازدواج و غیره دارد. این خود نشان‌دهندهٔ تنوع فرهنگی جامعه بین‌المللی است. حقوق فرهنگی که جزئی از حقوق بشر است، در اسلام ۵۰ سال قدمت دارد. در این مدت، ادبیات گسترده‌ای در تحلیل رابطهٔ دین اسلام، جوامع مسلمانان و هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر ایجاد شده است (Hasemi & Qoureshi, 2022: 1).

نخستین نشانه‌های حقوق بشر در قانون حمورابی، پادشاه بابل دیده شده است؛ هرچند منشور حمورابی در زمینهٔ حقوق بشر بسیار ابتدایی است، اما گروهی آن را نخستین گام به‌سوی تبلور عینی و خارجی مفهوم حقوق بشر می‌دانند؛ در سدهٔ ششم پیش از میلاد، کوروش کبیر در منشوری به آزادی مذاهب و ملت‌ها اشاره کرده بود (اصغر نیا و اصغر نیا، ۱۳۹۵: ۹۳). حقوق فرهنگی بخش بنیادینی از حقوق بشر را تشکیل می‌دهد. حقوق فرهنگی دارای دو معناست: معنای موسع و معنای مضیق. در معنای گسترده، حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد. از نظر برخی صاحب‌نظران، حقوق فرهنگی مجموعه‌ای از حقوق است که در پی تأمین و پشتیبانی از نیازهای اساسی مانند خوراک، بهداشت، شغل، امنیت و آموزش و توسعه است (Mapuling, 2002: 30). در تقسیم‌بندی در خصوص مصادیق حقوق فرهنگی یک از نویسندگان به نام «پروت» حق پشتیبانی از آثار هنری، ادبی و علمی و همچنین بهره‌مندی از ثروت فرهنگی، تاریخی و هنری و «فرایبورگ» حق مشارکت در پیشرفت‌های علمی و هنری را در تقسیم‌بندی

خود قرار داده‌اند. پس هر کشوری و هر فردی در هر جامعه‌ای حق دارد از حقوق فرهنگی و در پی آن از حق بهره‌مندی و استفاده از هنر را که یک مورد آن معماری است، داشته باشد. با توجه به افزایش رو به تزاید قدرت واقعی دولت‌ها در حیات اجتماعی، حکومت‌ها، به‌طور چشمگیری مسئولیت تأمین و تضمین رفاه شهروندان خود را برعهده گرفته‌اند؛ بدین معنی که دولت‌ها با پذیرش اسناد حقوق بشری در قالب یک قرارداد اجتماعی خود را مکلف به تأمین آنها می‌کنند و ماهیت این تعهدات در حقیقت تعهد به نتیجه رو به تزاید از طریق به‌کارگیری تمام امکانات و توان است (رضائی، ۱۴۰۲: ۱۲). بررسی تطبیقی سه فرهنگ هنری مدیترانه قرون وسطی شامل اسلام، امپراتوری بیزانس و اغلب مناطق مسیحی اروپای غربی، موضوعات شامل استفاده از تصاویر، معماری عبادت، هنر سلطنتی و نمونه‌های از تماس بین سه فرهنگ است (Department, centers, porogrames and insitiutes of Art and Architecture, 2023- 558: 2024). بی‌شک در عصر حاضر که تعاملات فرهنگی به دلایل سیاسی، اجتماعی، مذهبی، فرهنگی، هنری و غیره بیشتر از گذشته است، فرهنگ حقوق بشر نسل دوم مختص فرهنگ خاصی نیست. درست است معماری هر جامعه‌ای با ورود به آن شهر بسیار متفاوت از شهر دیگر است، اما با دقت به عناصر تشکیل‌دهنده آن می‌توان دریافت همه آنها با هم مرتبط‌اند. به‌دلیل گسترش اسلام در جهان و ویژگی جهانی که دارد، معماری آن نیز در حقوق فرهنگی نسل دوم حقوق بشر تأثیر بسزایی بر جای گذاشته است.

۳.۳. رابطه نسل دوم حقوق بشر با اسلام

حمایت انسان‌ها در برابر انسان‌های دیگر مختص دوران معاصر نیست، بلکه از قبل و در تمام تاریخ بشریت به چشم می‌خورد. به‌دلیل خشونت‌هایی که در جنگ‌های جهانی اول و دوم وجود داشت، دولت‌ها بر این نظر برآمدند تا دیگر این امر هیچ‌وقت اتفاق نیفتد و در نهایت در پی پایان هر جنگ مذکور ابتدا جامعه ملل و پس از آن سازمان ملل متحد، با نظر کشورهای درگیر جنگ (متفقین) تشکیل شد. جامعه ملل بیشتر به‌دلیل رویکرد آرمان‌گرایی که داشت، نتوانست آن‌گونه که شاید و باید موفق عمل کند، اما سازمان ملل متحد رویکرد رئالیسم را دنبال می‌کند. برای نوشتن منشور ملل متحد حدود ۵۰ کشور و ۴۰ سازمان غیردولتی شرکت داشتند؛ علی‌رغم تلاش بعضی کشورها مانند آمریکای لاتین که خواستار گنجاندن موادی در خصوص حقوق بشر بودند، اما موفق نشدند و فقط در مقدمه و هفت ماده منشور، بدان اشاره شد که این خود نقطه آغاز تدوین «کمیسیون حقوق بشر» شد. مجمع عمومی سازمان ملل نیز سه سال پس از تأسیس سازمان ملل، بنیاد قانون حقوق بشر معاصر را بنا نهاد. اعلامیه جهانی حقوق بشر، که هدف از آن ایجاد «معیار مشترک برای همه مردم» بود، در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید، روزی که اینک در جهان، به‌عنوان روز حقوق بشر خوانده می‌شود. ۳۰ ماده آن، حقوق بنیادی، مدنی،

فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را که تمامی ابنای بشر در هر کشوری باید از آنها برخوردار باشند، مشخص کرد (جاوید و مکرمی قرطاول، ۱۳۹۱: ۶۱). از همان آغاز شروع به تدوین معاهده الزام‌آور حقوق بشری، علی‌رغم تأکید مجمع عمومی سازمان ملل متحد به پیوستگی و ارتباط تنگاتنگ حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، زمزمه‌هایی مبنی بر وجود دو نوع حقوق متفاوت درگرفت. کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا اساساً طرفدار حقوق مدنی و سیاسی بودند و کشورهای سوسیالیستی در کنار کشورهای اسلامی و بیشتر کشورهای آمریکای لاتین بر حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی تأکید داشتند. دیدگاهی که در جریان حقوق بشر اغلب توسط کشورهای آمریکای لاتین دنبال می‌شد، بر این باور بود که حقوقی مانند حق آموزش، حق تشکیل اتحادیه‌های تجاری، بیمه اجتماعی و جلوگیری از بیکاری زیربنای سایر حقوق بشرند (عراقچی و بحرینی، مقاله آماده انتشار: ۳). اندیشه وجود دو نسل متفاوت حقوق بشر از همین اختلافات بنیادین بین شرق و غرب نشأت گرفت. حقوق نسل اول یعنی حقوق مدنی و سیاسی ریشه در لیبرالیسم و فردگرایی غربی دارد و مواردی چون آزادی مذهب و عقیده، آزادی بیان و ... را شامل می‌شود. نسل دوم حقوق همانا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌اند که کشورهای سوسیالیست به شدت طرفدار این نوع حقوق بودند. چنانکه گفته شد اکثریت کشورهای به‌خصوص کشورهای سوسیالیست، کشورهای اسلامی و نیز کشورهای آمریکای لاتین در جریان تدوین پیش‌نویس معاهده، حقوق نسل اول و دوم را حقوقی یکپارچه و تفکیک‌ناپذیر می‌دانستند و خواهان درج هر دو نسل حقوق در یک سند واحد بودند. سیاست اولیه مجمع عمومی نیز بر این منوال بود (جاوید و مکرمی قرطاول، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۸).

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، حقوق بشر در کشورهای اسلامی در آموزه‌های پیامبر و ائمه و کتاب آسمانی وجود داشته است. فرهنگ و تمدن غنی اسلام به دلیل منبع اصیل آن قرآن به همه نیازمندی‌های بشری چه در امور زندگی دنیوی و چه در امور معنوی و اخروی، پرداخته است. اسلام دین بشریت است و حقوق بشر برای رفاه انسانیت تدوین شده است. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان جهان، پس از پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) به عنوان مظهر حقوق بشر در جهان اسلام، در زمامداری دولت اسلامی خود، مفاهیم حقوق بشری را به طور شایسته‌ای کاربردی کرد و از این طریق توانسته است رضایت‌مندی جامعه تکرگرای نژادی، دینی، مذهبی، زبانی، رنگ‌ها و سرزمینی را به دست آورد (جعفری، ۱۳۹۴: ۷). در قرآن نیز که منبع اصلی اسلام محمدی است، به حقوق انسانی افراد اشاره شده است. برای مثال خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است» که نشان‌دهنده این

است که ملت‌ها اعم زن و مرد با یکدیگر برابر و در تعامل‌اند و این تعامل، عامل تبادل فرهنگ‌هاست. در غایت حقوق فرهنگی که در نسل دوم حقوق بشر از آن سخن به میان آمده است، در مورد فرهنگ یک جامعه، یک منطقه یا یک قاره نیست، بلکه مربوط به تمام جوامع جهانی است. پس نتیجه می‌گیریم اساس حقوق بشر در اسلام، وجود و فطرت ذاتی انسان و انطباق این حق با دین است که اعلامیه حقوق بشر اسلامی بدان عمل کرده است.

دوران گسترش حقوق بشر از سال‌های ۱۹۶۷ آغاز شد و تا دهه ۱۹۸۱ ادامه یافت. در دوران توسعه و گسترش اسناد حقوق بشر، کشورهای اسلامی نیز توانستند در توسعه این اسناد مشارکت کنند، زیرا شمار فزاینده‌ای از کشورهای اسلامی در سازمان ملل متحد، شرایطی را به‌وجود آوردند که دست‌کم در خصوص حقوق بشر اردوگاه اسلانی تشکیل دادند و به نیروی مؤثری تبدیل شدند. در نتیجه هنگامی که در سال ۱۹۸۱ طرح «اعلامیه امحای تمامی اشکال ناشکیبایی و نابرابری بر اساس دین» به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد، نمایندگان دولت‌های غربی تنها از طریق مصالحه با گروه اسلامی توانستند آن اعلامیه را تصویب کردند (مظفری، ۱۳۸۷: ۱۰۸). کشورهای اسلامی با صدور اعلامیه قاهره یا اعلامیه حقوق بشر اسلامی توسط سازمان کنفرانس اسلامی، نقش خود را در گسترش حقوق بشر، پررنگ‌تر از قبل کردند. در ماده ۱۷ این اعلامیه به نسل دوم حقوق بشر بالأخص به مصادیق حقوق فرهنگی اشاره شده است. هر آنچه در حقوق بشر و جزء حقوق انسانی افراد است، ابتدا در اسلام بوده است، پس تأثیر آموزه‌ها و منابع اسلامی در خصوص حقوق بشر امری نامعقول نیست. اگر اندیشمندان و نظریه‌پردازان حقوق بشر در جوامع اروپایی الگوی کامل حقوق انسانی را در نوشته‌ها و آثار متفکران اسلامی به دور از هرگونه تعصب و یکجانبه‌گرایی بیابند، جوانه‌های تدوین حقوق بشری تکامل‌یافته‌تر و انسانی‌تر از گذشته، به‌تدریج رویش خود را آغاز خواهند کرد (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۰).

۴. نتیجه

در گذشته که هنوز پای هنر و معماری مدرن به میان نبود، نقش مذهب در این خصوص بسیار پررنگ‌تر به چشم می‌خورد؛ چه در زمان قرون وسطی که مسیحیت رواج پیدا کرده بود و چه در زمان ظهور اسلام. اهمیت این مسئله را می‌توان در معماری مساجد، کلیساها و کنیسه‌ها یافت. اگر به معماری این بناها دقت کنیم وجه تشابه آنها مدنظر قرار دادن شخصیت مرکزی است؛ برای نمونه مساجد دارای محرابی به سمت خانه کعبه هستند که این خود نشان‌دهنده وحدانیت الله است. در معماری مساجد از نقوشی استفاده شده است که به جنبه ابدیت خداوند اشاره دارند و از تصاویر موجودات فانی استفاده نمی‌شود؛ بیشتر تزئینات آن به شکل رسم‌الخط و اشکال هندسی‌اند. معماری مقدس اسلام، تبلور معنویت و روح عرفانی را در خود دارد. این مکان مقدس با وجود فضای عرفانی، آرامش و هماهنگی، نه‌تنها سبب جلا دادن روح

مؤمن می‌شود، بلکه انسان را به سمت خداوند که در ذات او سرشته شده است، سوق می‌دهد. کاربرد مساجد در وهله اول، یک نهاد دینی هر جامعه اسلامی است و در وهله دوم مرکز تعلیم به‌شمار می‌آید. در صدر اسلام، پیامبر (ص) با برگزاری خطبه‌هایی در خصوص علم، برادری و برابری و همچنین محل تعلیم و گسترش فرهنگ، صدور دستورهای حکومتی، رسیدگی به امور قضایی و ایجاد عدالت و غیره، کارکرد مساجد را بیش از یک مکان زیبا و معنوی نشان داد. سیره پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) مملو از انسانیت و اخلاق نیکوست که در عصر حاضر آن را «حقوق بشر» می‌خوانند. این حق فارغ از توجه به رنگ، نژاد، قومیت، زبان، مذهب و غیره به همه انسان‌ها تعلق دارد و حتی هیچ انسانی نیز نمی‌تواند این حق را از خود سلب کند. هر آنچه کرامت انسانی، رفاه و آسایش او را حفظ کند، جزء حقوق بشر محسوب می‌شود. حقوق بشر امروزی از اسناد گوناگونی تشکیل شده است و کشورهای اسلامی نیز در پی گسترش این اسناد، تدوین اعلامیه‌ای را در دستور کار خود قرار دادند که به اعلامیه قاهره منجر شد. این سند در مورد حقوق انسانی از جمله حق حیات، حق کار، حق آزادی رفت‌وآمد، حق ازدواج، حق آموزش و پرورش، حق بهداشت، حق خلق اثر هنری و حکایت از آن و غیره است. این اسناد، این حقوق را به سه نسل تقسیم کرده‌اند. این پژوهش در مورد نسل دوم آن است. این نسل برعکس نسل اول از اجماع نظر جامعه بین‌المللی به‌وجود آمده است. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پروتکل‌های منضم آن و هفت ماده اعلامیه حقوق بشر منابع این نسل هستند. یکی از حقوق نسل دوم، حقوق فرهنگی است که جزء حقوق آرمانی حقوق بشر به‌شمار می‌آید و مختص به یک جامعه یا یک گروه نیست، بلکه از تلاقی فرهنگ و تمدن جوامع مختلف با یکدیگر به‌وجود آمده است. مصادیق این حق مشمول حق کسب دانش یا آموزه‌های هنری، بهداشت، تغذیه، شغل و امنیت است. معماری نیز جزء آموزه‌های هنری است و این دولت‌ها هستند که باید تضمین دهند، افراد جامعه از این حق برخوردار باشند. در نهایت نمی‌توان گفت حقوق فرهنگی و در پی آن معماری تنها الهام‌گرفته از یک جامعه و تمدن است، همان‌طور که سه فرهنگ هنری مدیترانه قرون وسطی در معماری خود به‌طور مشترک از تصاویر، معماری عبادت و هنر سلطنتی استفاده کرده‌اند. علت این تلفیق، ارتباط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که امروزه به‌دلیل توسعه کشورها، نیاز مبرم دولت‌ها در زمینه‌های مختلف به یکدیگر و شناخته نشدن آنها به‌عنوان کشوری منزوی، بیشتر از گذشته شده است. به‌دلیل گسترش دین اسلام و افزایش رو به فزونی مسلمانان در سرتاسر جهان، هر مسلمانی نیاز دارد در کشوری که زندگی می‌کند، فرایض دینی خود را، همان‌گونه که در رأی حقوق اقلیت آلمانی در سلیزیای اولیا، دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در خصوص حقوق فرهنگی بدان اشاره کرد، انجام دهد. یکی از این واجبات دینی مسلمانان نماز جماعتی است که به‌طور معمول در مکانی مقدس مانند مسجد برگزار می‌شود؛ در نتیجه مساجد که یکی از اجزای اساسی معماری اسلامی است و در هر کشوری ساخته می‌شود، این خود در

نهایت سبب تلفیق فرهنگ و هنر اسلامی با جوامع دیگر است. هویت معماری اسلامی برگرفته از مذهب، قرآن، وحدانیت خدا و همچنین تأثیر جوامعی که در آن دین گسترش یافته، است. این امری معمول است؛ چنانکه در غرب به دلیل گسترش مسیحیت، یکی از بناهای مذهبی و مهم آنها کلیساست. پس عوامل جغرافیایی، فرهنگی، ارتباطات در هنر معماری مؤثر است. اگر جوامع غیراسلامی بدون تعصب به این معماری بنگرند، این تأثیر را در حقوق فرهنگی که جزء نسل دوم حقوق بشر است، خواهند دید؛ حتی می‌توانند از آن در معماری‌های خود بیشتر استفاده کنند و از آن الهام بگیرند، همان‌گونه که در زمان تأسیس دمشق در زمان خاندان عباسی این اتفاق افتاد. پس اگر معماران غربی آن را به‌درستی به کار برند، متوجه گسترش و وجود آرامش و حضور خداوند که در ذات هر انسانی فارغ از دین، مذهب، قوم، زبان، فرهنگ و نژاد نهفته است، می‌شوند. به نظر من معماری یک منطقه، ویژه آن منطقه نیست؛ درست است پایه و شالوده آن هنر مربوط به آن کشور یا ملت است، اما مابقی آن به عوامل مختلفی بستگی دارد، همان‌طور که یک کشور به دلایل متنوعی مانند مهاجرت دارای نژادی خالص نیست. پس حقوق فرهنگی نیز محدود به شرق یا غرب نیست و تمام ملتها دستی در آن دارند. از آنجا که دین اسلام جزء یکی از بزرگ‌ترین مذاهب دنیاست و مسلمانان درصد زیادی از جامع جهانی را تشکیل می‌دهند، اسلام بر حقوق فرهنگی نسل دوم حقوق بشر تأثیر گذاشته است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. قرآن کریم
۲. اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵). حکمت و هنر معنوی: مجموعه مقالات. چ اول. تبریز: گروسی.
۳. بورکهارت، تیتوس (۱۳۹۲). هنر اسلامی زبان و بیان. ترجمه مسعود، نوبت دوم. تهران: سروش.
۴. مددپور، محمد (۱۳۸۷). حکمت انسی و زیبایی‌شناسی عرفانی اسلامی. چ سوم. تهران: سوره مهر.

ب) مقالات

۵. اصغر نیا، محمدحسی؛ اصغر نیا، مرتضی (۱۳۹۵). حقوق فرهنگی: نسل دوم حقوق بشر. مجله سیاسی/اقتصادی، (۳۰۳)، بهار، ۸۸-۱۰۳.
۶. بلخاری قهی، حسن (۱۴۰۱). مقام رنگ و سنگ فیروزه در هنر و تمدن اسلامی. مجله رهپویه هنر، ۵(۳)، ۵-۱۶.
۷. شیرخانی، علیرضا؛ صحاف، خسرو؛ فرکیش، هیرو؛ چوگانیان، داود ۱۴۰۱، اصل سلسله‌مراتب و تجلی آن در معماری مساجد ایران، نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۸)، ۵۰۲-۵۲۵.

۸. شریفیان، ستاره؛ عبدالمهی، محسن؛ راعی، مسعود (۱۴۰۱). حمایت از تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۲(۴).
۹. خسروپور، سعید؛ رادمرد، عبدالله (۱۴۰۲). تطور مفهوم فرهنگ در فرهنگ‌های فارسی و نقد فرهنگ‌نویسان از یکدیگر تا بهار عجم. تاریخ ادبیات، ۱۶(۹۲)، ۱۶۵-۱۸۹.
۱۰. جاوید، محمدجواد؛ مکرمی‌قرطاول، یاسر (۱۳۹۱). نقش کشورهای اسلامی در تدوین و تصویب اسناد جهانی حقوق بشر. فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱(۱)، ۵۱-۷۸.
۱۱. جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۴). حقوق بشر در حکومت شیعی پیشگام حقوق بشر اسلامی. جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۵(۶)، ۱-۱۷.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۹). جاهلیت و مدنیت در نهج البلاغه. فصلنامه مطالعات تفسیری، ۳(۳)، ۹-۴۸.
۱۳. رجایی. مهدی؛ بلخاری قهی، حسن؛ فدوی، سید محمد (۱۴۰۱). واکاوی معنا و مفهوم اسلامی در هنر اسلامی از منظر حکمت اسلامی. مجله کیمیای هنر، ۱۲(۴۶)، بهار، ۲۱-۳۸.
۱۴. رجبی ده‌برزویی، اصغر؛ خلعتبری لیماکی، حسام‌الدین (۱۴۰۰). دیدگاه قرآن درباره زیاجویی و تأثیر آن بر معماری اسلامی. نشریه مطالعات تاریخ اسلام، ۱۳(۴۸)، ۸۷-۱۰۶.
۱۵. رضائی، سجاد (۱۳۹۹). محدودیت‌های حاکمیت ناشی از اسناد حقوق بشری سازمان ملل متحد (نسل دوم حقوق بشر). همایش کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، ۳۹۹-۴۱۷.
۱۶. سیددین، سیدامین (۱۴۰۰). نقدی بر مفهوم معماری اسلامی با رویکردی از آسیب‌شناسانه. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۴(۲)، ۴۲۳-۴۴۲.
۱۷. صفاری‌نیا، محیا (۱۳۹۴). حقوق فرهنگی در نظام بین‌المللی حقوق بشر؛ حرکت کم‌شتاب در بستر پرتلاطم. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۰(۳)، ۷۷-۱۰۳.
۱۸. صادقی، ناهید (۱۳۹۱). تاریخچه و علل گرایش ب معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی و ایران. مجله معماری اقلیم گرم و خشک، ۲(۲)، ۷-۲۴.
۱۹. عراقچی، سید عباس؛ بحرینی، علی (مقاله آماده انتشار). ماهیت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه قاهره بر تأکید بر حق کار و حق آموزش. مجله حقوق عمومی.
۲۰. کوثری، وحید؛ مشهدی، علی؛ سلمان‌نوری، مهسا (۱۳۹۸). نقدی بر اعلامیه ۱۹۹۰ قاهره پیرامون حقوق بشر در اسلام: خلأ مبانی یا سایه سنگین الگوی غربی؟. مطالعات حقوق بشری، ۸(۱۶)، ۵۷-۷۳.
۲۱. مظفری، محمدحسین (۱۳۸۷). کشورهای اسلامی و حقوق جهانی بشر: مشارکت‌ها و مخالفت‌ها. نشریه نامه مفید، ۷۰(۷۰)، ۹۵-۱۱۲.
۲۲. نیسی، فرانک؛ مشهدی، علی (۱۳۹۷). تعهدات فرهنگی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل با تأکید بر آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در زمینه حق‌های فرهنگی. مجله مدیریت فرهنگی، ۴۱(۴۱)، پاییز، ۵۳-۶۶.
۲۳. نقی‌پور، پیمان؛ محبوب‌قدس، رؤیا (۱۴۰۱). بررسی هنرهای مقدس در طراحی معماری اسلامی. معماری‌شناسی، ۲۵(۲۵)، زمستان، ۴۴-۶۰.

۲۴. نوروزی، میثم؛ زندی، ریحانه؛ اسکندری خوشگو، مهدی (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی مفهوم عدالت در اسلام و اندیشه حقوق بشر معاصر. فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۱(۲۷)، ۱۰۱-۱۲۴.
۲۵. هوشیاری، حامد (۱۴۰۱). دیدگاه تیتوس بورکهارت درباره معماری و هنر اسلامی. جستارنامه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱(۵)، ۴۳-۵۴.

۲. انگلیسی

A) Articles

1. Abd Ehaal Hassan, A. (2020). Effect of Islamic art on modern architectural cladding in Arab countries. *Journal of architecture art and human sciences*, 109-130.
2. E. Osim, S. (2021). Islamic art and architecture: a reflection of the culture and tradition of islam. *Gornal of social sciences and humanitied*, 174-185.
3. Hashemi, N. (2022). Qureshi. E. Islam and human rights: A 50 year. *Muslim world jornal of human rights*, 1-18.
4. Karimi, S. Goodarzarparvary. P. Aref. M. Bahmani. P. (2022). A comparative study of decorative patterns in mosques of the third century ah based on a contextual approach. *Nazar*, 91-106.
5. Mapulanga Hulston, J. k. (2002). Examining the justiciability of economic, social and culture rights. *International jornal of human rights*, 28-48.
6. Shaykh-Baygloo, R. (2018). Beauty and aesthetics in Islamic architecture. *Socio-Spatial studies*, 14-19.
7. Naderi, P. (2022). Studies on the role of islam in Islamic art and Islamic artichitecture with analytical approach the phace of art in islam. *9 International conference on management & humanistic scince research in iran*, 18-23.

B) Internet resources

8. Brownuniversity (2023-2024). *Department, centers, porogrames and insitiutes of Art and Architecture*. Available in. www.brown.edu/academics/art-history/
9. Dany, Y. (2004). *Islamic Art: Art, Architecture and the Literary World* Robert Irwin. Laurence King 1997. http://dannyreviews.com/h/Islamic_Art.html

References In Persian:**A) Books**

1. *The Holy Quran*
2. Awani. G. (1996). *Spiritual wisdom and art: a collection of articles*. First Edition. Publisher: Gross ([In Persian](#)).
3. Burkhart, T. (2012). *Islamic art of language and expression*. Masoud's translation, the second turn. Publisher: Soroush Publications ([In Persian](#)).
4. Maddpour, M. (2008). *Ensi wisdom and Islamic mystical aesthetics*. Third edition. Publisher: Surah Mehr ([In Persian](#)).

B) articles

5. Asgharnia, M. H., & Asgharnia, M. (2015). Cultural rights: the second generation of human rights. *Political-Economic Journal*, (303), Spring, 88-103 ([In Persian](#)).
6. Balkhari Qahi, H. (2022). The status of turquoise color and stone in Islamic art and civilization. *Art Path Magazine*, 5(3), 5-16 ([In Persian](#)).
7. Shirkhani, A., Sahaf, K., Farkish, H., & Choganian. D. (2022). The Principle of Hierarchy and Its Manifestation in the Architecture of Iranian Mosques. *Journal of Islamic Art Studies*. 19(48), 502-525 ([In Persian](#)).
8. Sharifian, S., Abdulahi, M., & Rai, M. (2022). Supporting cultural diversity in the age of globalization. *Quarterly Journal of Public Law Studies*. 52(4) ([In Persian](#)).
9. Khosropour, S., Radmard, A. (2023). The evolution of the concept of culture in Persian cultures and the criticism of lexicographers from each other to Bahar Ajam. *History of literature*, 16(92), 165-189 ([In Persian](#)).
10. Javaid, M. J., & Mokarmi Qartavol, Y. (2011). The role of Islamic countries in drafting and approving international human rights documents. *Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies*, (1), 51-78 ([In Persian](#)).
11. Jafari, A. A. (2014). Human rights in the Shiite government, the pioneer of Islamic human rights. Contemporary Political Essays, *Research Institute of Humanities and Cultural Studies*, 6(15), 1-17 ([In Persian](#)).
12. Delshad Tehrani, M. (2009). Ignorance and civility in Nahjablagha. *Interpretive Studies Quarterly*. (3), 9-48 ([In Persian](#)).
13. Rajai, M., Balkhari Qahi, H. & Fadavi, S. M. (2022). Analyzing the meaning and concept of Islam in Islamic art from the perspective of Islamic tradition. *Kimyai Hanar magazine*, 12(46), Spring, 21-38 ([In Persian](#)).
14. Rajabi Dehbarzoui, A., & Khalbardi Limaki, H. (2021). The Qur'anic view of beauty and its influence on Islamic architecture. *Journal of Islamic History Studies*, 13(48), 87-106 ([In Persian](#)).
15. Rezaei, S. (2019). The limitations of sovereignty resulting from the human rights documents of the United Nations (the second generation of human rights). *International and national conference on management, sensitivity and law studies*, 399-417 ([In Persian](#)).
16. Seydin, S. (2021). A critique on the concept of Islamic architecture with a pathological approach. *Research paper on the history of Islamic civilization*, 54(2), 423-442 ([In Persian](#)).
17. Safarinia, M. (2014). Cultural rights in the international human rights system; slow

- movement in a turbulent bed. *Comparative law studies*. 20(3), 77-103 ([In Persian](#)).
18. Sadeghipi, N. (2011). History and causes of the tendency towards native architecture in the West. Islamic countries and Iran. *Hot and dry climate architecture magazine*, (2), 7-24 ([In Persian](#)).
 19. Araghchi, Seyyed Abbas, Bahraini, Ali (article ready for publication). The nature of economic, social and cultural rights in the Universal Declaration of Human Rights and the Cairo Declaration emphasizing the right to work and the right to education. *Journal of Public Law* ([In Persian](#)).
 20. Kothari, V., Mashhadi, A., & Salman Nouri, M. (2018). A critique of the 1990 Cairo declaration on human rights in Islam: the void of foundations or the heavy shadow of the Western model. *Human rights studies*, 8(16), 57-73 ([In Persian](#)).
 21. Mozafari, M. H. (2008). Islamic countries and international human rights: contributions and contradictions. *Useful magazine*, (70), 95-11 ([In Persian](#)).
 22. Nissi, F., & Mashhadi, A. (2017). Cultural obligations of governments in international law with emphasis on the opinions of the International Court of Justice in the field of cultural rights. *Journal of cultural management*. (41), Autumn. 53-66 ([In Persian](#)).
 23. Naqipour, P., & Mehboobghods, R. (2022). Examining sacred arts in Islamic architectural design. *Architecture*, (25), winter. 44-60 ([In Persian](#)).
 24. Nowrozi, M., Zandi, R., & Eskandari Khoshgo, M. (2022). A comparative study of the concept of justice in Islam and contemporary human rights thought. *Scientific Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies*. 11(27), 101-124 ([In Persian](#)).
 25. Hoshiari, H. (2022). Titus Burkhart's view on Islamic architecture and art. *Thesis of Islamic culture and art*. 1(5), 43-54 ([In Persian](#)).